

سفرنامه‌ها

نخستین بازتاب‌ها

در مواجهه با غرب جدید

تقی صوفی نیارکی

اشاره

نخستین رویارویی‌های ایران و غرب، بیشتر جنبه اقتصادی و نظامی داشته است و اصولاً اروپا از این دو طریق در ایران به مقاصد خود می‌رسید و همین روابط، زمینه ساز آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب بود. با این وصف در انتقال تفکر جدید، تنها روابط اقتصادی و نظامی دخیل نبوده؛ بلکه عوامل دیگری نیز دخالت داشته‌اند که سفرنامه‌ها یکی از آن موارد است.

نویسنده مقاله با پرداختن به سفرنامه‌های «تحفة العالم»، «حیرت‌نامه» و «گزارش سفر میرزا صالح شیرازی» سعی دارد نخستین بازتاب‌های ایرانیان را در برابر غرب جدید به تصویر بکشد.

درآمد

بحث درباره فرهنگ غرب و چگونگی ورود آن به ایران از مباحثی است که محققان متعددی با زاویه نگرش‌های کاملاً متفاوت به آن پرداخته‌اند و مسأله مهم در طرح این‌گونه مباحث، توجه و اهتمام به پرسش‌های بنیادین زیر می‌باشد:

آیا ایرانیان در مواجهه با فرهنگ جدید غرب به شناختی بنیادین از ماهیت آن دست یافته بودند؟ آیا کسانی که خواهان غربی شدن در تمام حوزه‌های فکری و اجتماعی بودند، بر لوازم گفته‌های خود آگاهی داشتند یا این‌که صرفاً شیفتگی نسبت به ظواهر تمدن جدید، آنها را به تقلید و الگوبرداری سطحی وادار می‌کرد؟ آیا پذیرش فرهنگ جدید با تأمل و تفکر در مبانی فکری و نظری آن همراه بود یا این‌که فقط خواستار اخذ ظواهر آن بودند؟ سرانجام آیا بین مبانی نظری تمدن جدید و فرهنگ سنتی ایران سازگاری وجود دارد و آن دو با هم قابل جمع هستند؟

چنان که ملاحظه می‌شود، پرداختن به مقوله‌های بالا و یافتن جواب‌های مقبول و منطقی، نیازمند ارزیابی و نقد دوره‌های

مختلف در حوزه‌های عملی و نظری در ایران و غرب می‌باشد؛ اما از طرفی بررسی و ارزیابی آنها به جهت گسترده بودن بحث و از طرف دیگر خارج بودن آن از موضوع مقاله، جایگاه دیگری می‌طلبد.

در این نوشته، جستاری کوتاه به یکی از راه‌های ورود تفکر جدید به ایران به صورت گذرا اشاره می‌شود تا در مقام بررسی و ارزیابی ریشه‌های ورود غرب‌گرایی در تاریخ ایران معاصر، افق‌های تازه‌ای پیش روی ما گشوده شود و بستری مناسب برای طرح مباحثی؛ همچون «مدرنیسم»، «سنت و تجدد»، «دین و دنیا» و موضوع‌های دیگر آماده گردد.

کارویژه سفرنامه‌ها

سفرنامه‌ها قدیمی‌ترین منابعی هستند که به وسیله اشخاص متعدد از پایگاه‌های اجتماعی مختلف نوشته شده‌اند و از ابزاری هستند که ما را با فرهنگ جدید به صورت ملموس آشنا می‌کنند که همزمان عهده‌دار اموری چند هستند:

۱. وارد کردن افکار تازه به جامعه سنتی

ایران و ترویج آنها در بین طبقه‌های مختلف مردم؛

می‌نگاشتند. به عنوان مثال می‌توان به «حیرت‌نامه یا سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی» اشاره کرد.

هم‌چنین سفرنامه‌هایی که به وسیله متشیان حرفه‌ای نوشته می‌شد که آنان به سِمَت نویسنده و محرر، همراه مقام عالی‌رتبه به سر می‌بردند؛ مانند «مخزن الوقایع» که سفرنامه‌ی مردی مهم، یعنی «فرخ‌خان امین‌الدوله» می‌باشد که به وسیله «حسین بن عبدالله سرای» تألیف شده است. وی در کنار فرخ‌خان امین‌الدوله بود و به مجامع عمومی کمتر راه پیدا می‌کرده و صرفاً در پیشگاه او انجام وظیفه می‌نموده است.

ب) سفرنامه‌هایی که به وسیله ایرانیان تحصیل کرده در کشورهای غربی به نگارش درآمده است؛ مانند «گزارش سفر میرزا صالح شیرازی». این قبیل آثار از سفرنامه‌های دیگر می‌تواند مهم‌تر و کاراتر باشد؛ چرا که نویسندگان آن از پایگاه اجتماعی بالا و سطح علمی قابل قبولی در زمان خود برخوردار بودند و در شمار نخبگان علمی جامعه قلمداد می‌شدند. هرچند که این گونه سفرنامه‌ها در اقلیت هستند؛ ولی با این حال قابل دقت و تأمل می‌باشند.

۲. شکل‌دهی آغازین آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب بر اساس این گزارش‌ها: هر چه گزارش‌گری واقع‌بین و به دور از تحلیل‌های قشری باشد، می‌تواند در انعکاس چهره واقعی آن‌جا مؤثر باشد.

۳. ستایش‌گری نسبت به فرهنگ غرب و سرزنش و تحقیر فرهنگ ایرانی: احساس عقب ماندگی از غرب و در مواردی احساس بی‌هویتی ملی در نزد سفرنامه نویسان، باعث دل‌دادگی و دل‌سپردگی نسبت به غرب می‌گردید. خواننده این‌گونه نوشته‌ها، همواره باید به این نکته‌ها توجه داشته باشد.

پایگاه اجتماعی سفرنامه نویسان
سفرنامه‌ها را به لحاظ پایگاه اجتماعی نویسندگان و رویکرد آنان به فرهنگ غرب می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) سفرنامه‌هایی که به وسیله صاحبان مناصب دولتی نوشته می‌شدند. این افراد به عنوان دیپلمات برای مأموریت‌های دیپلماتیک به کشورهای متعدد مسافرت می‌کردند و در ضمن سفر، خاطره‌های خود را به صورت سفرنامه

که سال‌ها شیخ‌الاسلامی آن ولایت را به عهده داشتند. او از نواده سید نعمت‌الله جزایری^۲ می‌باشد.^۳ مقدمات علوم را در شوشتر نزد عمویش و تنی چند از علمای آن‌جا فرا گرفت^۴ و پس از آموزش ابتدایی به آموختن هیئت، نجوم و شیوه استخراج تقویم‌ها سرگرم شد؛^۵ سپس برای ادامه تحصیلات خود در شهرهای مختلف ایران، عراق و برخی از کشورهای خلیج فارس پرداخت و در کربلا از درس «آقا محمدباقر بهبهانی» بهره گرفت.^۶ وی بعد به مشهد رضوی رفت و از آن‌جا به موطن خود باز گشت. پس از این تاریخ (۱۹۹۵) وی تحصیل علوم دینی را به اتمام نرساند و سفر هند و فکر تجارت، او را از ادامه

ج) سفرنامه‌هایی که توسط سیاحان و تجار ایرانی به رشته تحریر درآمده است؛ مانند مسیر طرابلس یا سفرنامه میرزا ابوطالب^۱ و تحفة العالم.

در این نوشته به علت محدودیت‌های خاص، تنها به چند نمونه از این سفرنامه‌ها که از اولین منابعی است که ایرانیان را با افکار جدید آشنا ساخته، اشاره می‌شود. نویسندگان این سفرنامه‌ها عموماً ستایشگر و دل‌داده غرب بوده‌اند؛ با این وصف، به این نکته نیز اشاره کرد که در میان سفرنامه‌ها، منابعی هر چند محدود نیز یافت می‌شود که به شکل انتقادی به غرب می‌نگریستند و همین تعداد کم در آن زمان به اندازه خود با اهمیت و در خور توجه می‌باشد و جای دارد در تحقیقی مستقل به آنها پرداخته شود. در این نوشته مختصر به اجمال به چند سفرنامه متفاوت از هم بسنده کرده و اطالۀ کلام را به نوشتاری دیگر واگذار می‌کنیم.

۱. سفرنامه عبداللطیف شوشتری

عبداللطیف شوشتری در سال ۱۱۷۲ قمری در شوشتر در خانواده‌ای متولد شد

۱. میرزا ابوطالب خان، میر طرابلس یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیو جم.
۲. سید نعمت‌الله جزایری از فقهای نامدار و پراوازه دوره صفویه می‌باشد.
۳. آقا احمد کرمانشاهی، مرآت الاحوال جهان‌نما؛ سفرنامه و تراجم احوال معاصران؛ مقدمه و تصحیح حواشی از علی دوانی، ص ۱۷-۱۵ و جواد طباطبایی، دیباجه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، ص ۲۴۳.
۴. آقا احمد کرمانشاهی، همان، ص ۱۷.
۵. عبداللطیف شوشتری، تحفة العالم، ص ۱۸۸-۹۱.
۶. همان، ص ۲۱۴-۱۹۵.

مسافرت نکرده بود و تنها از طریق تماس با انگلیسی‌هایی که در هندوستان به سر می‌بردند، با آداب و رسوم آنان آشنا شده و در کتاب خود در پی وصف و توضیح آنها برآمده است.

الف. تحفة العالم و دگرگونی‌های بنیادی در مغرب زمین

هر چند که کتاب «تحفة العالم» یک سده پیش از مشروطیت ایران به نگارش در آمده است، شایان توجه می‌باشد که برخی

تحصیل منصرف ساخت و دیگر به مباحثه و تحصیل ادامه نداد و تا سال ۱۲۱۶ هـ ق که در هندوستان مشغول نگارش «تحفة العالم»^۱ بود، چیزی از دروس رسمی تحصیل نکرده بود. وی در هندوستان در روز یکشنبه پنجم ماه ذی‌القعدة از سال ۱۲۲۰ هـ ق هنگام غروب آفتاب در حیدرآباد دکن درگذشت.^۲

صاحب «مرآت الاحوال جهان‌نما» که خود از نزدیک با عبداللطیف آشنا بوده است، درباره ویژگی‌های وی این‌گونه می‌نویسد:

«به غایت خجسته گفتار و نیکو اطوار و آرمیده^۳ و بزرگ‌منش و مبادی آداب بود... در تحریر و تقریر نیز سلیقه تامه داشت و در بدو امر فی‌الجملة از مراتب علمیه را نیز تحصیل کرده بود... و چیزی که در هنگام فوتش موجب حیرت و عبرت من شد این بود که از مفارقت آن مرحوم، دوست و دشمن و خویش و بیگانه همه نالان و گریان بودند... خار مفارقتش بر دل دوستان نشست، اعزه و اعیان بر جنازه‌اش حاضر شدند و با دستگاه تمام تشیع کرده و در دایرة میر^۴ مدفون گردند.»^۵

لازم به یادآوری است که وی به فرنگ

۱. کتاب تحفة العالم، یک بار در هندوستان در سال ۱۲۹۴ قمری و بار دیگر در تهران سال ۱۳۶۳ خورشیدی با عنوان «تحفة العالم ذیل الحفة» به کوشش صمد مرحد به چاپ رسیده است. در این باره آقا احمد کرمانشاهی از میر عبداللطیف می‌خواهد که حوادث بعد از سال ۱۲۱۶ را نیز که تحفة العالم تا آن موقع خاتمه می‌یابد بنویسد؛ یعنی بین سال‌های ۱۲۱۶ و ۱۱۲۰ را نیز نوشته و به تحفة العالم اضافه کند. شوشتری نیز آن را می‌پذیرد و ذیل التحفة را به کتاب ملحق می‌کند. (آقا احمد کرمانشاهی، همان، ص ۱۹)

۲. آقا احمد کرمانشاهی، همان، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۳. فروتن و متواضع.

۴. «دایرة میر» قبرستانی در حیدرآباد می‌باشد که به وسیله سید بزرگوار خرداری و وقف شده است. در اواخر تنها شیعیان اثنی عشری را در آن دفن می‌کردند.

همان ص ۲۳۷.

۵. آقا احمد کرمانشاهی، همان.

نگارش در آمد که از یک سو دانش و صنعت غرب و از سوی دیگر رویه استعماری بورژوازی اروپا پا به پای یکدیگر، اوج خود را آغاز کرده بود. آنچه در واپسین سال‌های سده هیجده در امریکا و اروپای باختری می‌گذشت و می‌توانست در چارچوب سیاست و سوداگری کمپانی هند شرقی انگلیس در سرزمین هند و در حوزه فرمان‌روایی انگلیسیان بازتاب یابد؛ عبداللطیف آن را با اندیشه‌ای کنجکاوانه و با بهره‌جویی از پیوند خود با بلندپایگان سیاسی و اجتماعی هند دریافت و در تحفة العالم منعکس کرد.

تحفة العالم از اهمیت تاریخی فراوانی برخوردار است. او به کشف‌های تازه جغرافیایی در سراسر کره زمین؛ علل به وجود آمدن جزایر، معادن، رودخانه‌ها؛ پیدایش «ارض جدید» امریکا و برخی از ویژگی‌های آن^۱؛ و شهر لندن و بعضی از ویژگی‌ها و فعالیت‌های خدماتی دولت در آن، مانند فراهم کردن آب، روشن ساختن

از مفاهیم اندیشه مشروطیت را می‌توان در آن پیدا کرد و به احتمال این کتاب، نخستین نوشته فارسی باشد که در آن از مشروطیت و نهادهای سلطنت مشروطه سخن به میان آمده است.

شوشتری با توصیفی که از انگلستان و دیگر کشورهای بعد از دوره نوزایش (رنسانس) شنیده بود، کوشیده است تا به برخی از ویژگی‌های تجدد اشاره کند که از سه سده پیش از زمان او، دگرگونی‌های بنیادینی در مغرب زمین در پی داشت.

شوشتری، خاستگاه دگرگونی‌ها در سامان مغرب زمین را در تحول رابطه دولت و کلیسا و استقلال نهادهای آن از بند فرمان‌روایی دنیوی پاپ و دستگاه کلیسا در اروپا می‌داند و آن عامل را عاملی مهم در فروپاشی دستگاه کلیسا قلمداد می‌کند.^۱

ب. تحفة العالم گزارش آگاهی‌های عبداللطیف از جهان غرب

کتاب تحفة العالم اثری ماندگار از یک ایرانی آگاه به زمان خود و جهان پیرامونی می‌باشد. تحفة العالم درست زمانی به

۱. عبداللطیف شوشتری، تحفة العالم ذیل التحفة، به کوشش صمد مرحد، ص ۲۵۱-۲۶۹.
۲. همان، ص ۳۹۲-۳۲۸ به بعد.

از یکی از بزرگان یا رئیس... که بر تمامی مملکت فرمان فرماست، سرزند بنویسد و احتیاط نکند. گویند در این کار مصالح بسیاری است... یکی از آن جمله این است که امروز مستحده، درست به قید تاریخ به ضبط درآیند و ثبت گردند؛ نه مثل تواریخ سلف که در امور عظیمه، چون ولادت عیسی و رفع او به آسمان به سبب اندراس و فراموشی آن قدر اختلاف کرده‌اند که تحریر در نیاید.^۳

او یکی از زمینه‌های تحریف تاریخ را نبود آزادی در «نگارش» و «بیان» می‌داند و معتقد است که بعضی از تاریخ‌نگاران به سبب ترس از پادشاه و نبود «مصونیت سیاسی» تاریخ را همان‌طوری نگاشته‌اند که آنان می‌خواستند.

تحفة العالم که یک سده پیش از انقلاب مشروطیت ایران نگاشته شده است، برای نخستین بار در آن به بسیاری از مباحث جدیدی که در ادبیات حاکم آن وقت یافت نمی‌شد؛ مانند برابری، مساوات، حاکمیت در چارچوب قانون، سلوب‌الاختیار بودن

خیابان‌ها، اقدام‌های عمرانی دولت انگلیس در امر «راه‌سازی»، «مدارس» و «دارالشفاء»های افزون از شمار نیز سخن رانده است.^۱

ستیز کلیسا و حکومت، تبلیغات خرافه‌آمیز پاپ و پادریان و این‌که «اکنون تمام فرنگیان پیروی حکماکنند و در امر مذهب پرده‌ای دارند»^۲ اموری است که او را به خود متوجه کرده است.

ج. آزادی بیان و مطبوعات در تحفة العالم

آزادی مطبوعات و بیان که از مباحث مهم و بنیادی تمدن جدید غرب تلقی می‌شود، نظری را به خود جلب و در این مقوله هرچند مختصر به آن اشاره می‌کند و به طور کلی وجود مطبوعات آزاد را باعث مصالح فسرآوانی می‌داند. وی دربارهٔ مطبوعات و کارایی آنها می‌نویسد:

«اخبار مملکت را هر هفته در یک جزو کاغذ... نویسند و از آن پانصد - ششصد جزو قالب زنند و به اطراف مملکت و به خانه‌های هریک از اعظم جزوی فرستند تا جمیع مردم از حوادث مملکت آگاه شوند و... اگر امری قبیح

۱. همان، ص ۲۹۴.

۲. همان، ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۲۹۸.

وی نه تنها به این راهبرد اشاره نمی‌کند، حتی در مواردی سعی می‌کند به آن سرپوش گذارد. تمام توجه او به دانش و ترقی اروپا معطوف می‌باشد؛ در حالی که در همان زمان، خاورمیانه و به خصوص کشور خودش از ستم استعمارگران به ظاهر متریقی در امان نبودند. پیشرفت علوم و تکنولوژی باعث می‌شود که این‌گونه افراد به واقع نتوانند غرب را با همه ویژگی‌هایش در یابند. او غرب را مهد پیشرفت می‌داند؛ ولی به این نکته توجه ندارد که علت عقب‌ماندگی کشور خود و دیگر کشورها امثال خود چه می‌تواند باشد؟

- عدم توجه به مبانی معرفت‌شناختی غرب

تحفة العالم بدون توجه به مبانی نظری و معرفت‌شناختی غرب، نه تنها آن را مورد نقد قرار نمی‌دهد؛ بلکه به ایران «ستی»

۱. همان، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۲۷۶.

۳. «از جمله قوانین عظیمه، وضع عداوت خانه است که به جهت رفع مناقشات و مخاصمات بین‌الناس موضوع است.» (همان، ص ۲۸۱)

پادشاه^۱، انتظام سلطنت،^۲ عدالت‌خانه^۳ و تعهد به عهد و پیمانی که شهروندان در قبال هم دارند، توجه شده است به صورتی که باروری این اندیشه‌ها را در انقلاب مشروطه شاهد هستیم.

د. کاستی‌های تحفة العالم

هرچند تحفة العالم از معدود نوشته‌هایی می‌باشد که توانسته است تا حدودی دگرگونی وقایع پیرامونی را به دور از تعصبات کلیشه‌ای به تصویر بکشد و مسائل مهم زمان خود را برای ایرانیان به یادگار گذارد؛ ولی این باعث نمی‌شود که از دیده انتقاد به دور ماند، از این رو به برخی از این کاستی‌ها اشاره می‌شود.

- عدم انعکاس چهره استعماری غرب

آنچه در این نوشته و دیگر نوشته‌های همگون به چشم می‌خورد، عدم توجه به روش استعماری غرب می‌باشد؛ روشی که استعمارگران در مقاطع مختلف، تاکتیک‌های متفاوتی را اتخاذ می‌کردند: زمانی استعمار اقتصادی و گاهی دیگر استعمار سیاسی - فرهنگی. بر این اساس،

اسلامی متمایز می‌کند و بدون در نظر گرفتن مشترک‌ها و تمایزها به تقلید و اقتباس و دریافت تکنولوژی بدون اندیشه و متدد علمی را در راستای سفارش‌های خود قرار می‌دهد.

بی‌توجهی به مبانی اندیشه‌ای موجب شده است تا تحفة‌العالم نیز، مانند گزارش‌های دیگر سفرنامه نویسان ایرانی به صورت جُنگی از داستان‌های عجیب تبدیل شود؛ زیرا شوشتری، اگر چه بر پایه دیده‌های خود از شیوه فرمان‌روایی انگلیسی‌ها در هند و شنیده‌هایش از سامان نو آیین انگلستان وصفی کمابیش سازگار با واقعیت به دست می‌دهد؛ اما از آن‌جا که نمی‌تواند شالوده نظری دگرگونی‌های غرب را توضیح دهد، ناچار نوشته او از محدوده یک گزارش فراتر نرفته است و در تحلیل چرایی آنها چندان موفق به نظر نمی‌رسد.

نیز تجویز می‌کند و بدون در نظر گرفتن مشترک‌ها و تمایزها به تقلید و اقتباس و دریافت تکنولوژی بدون اندیشه و متدد علمی را در راستای سفارش‌های خود قرار می‌دهد.

بی‌توجهی به مبانی اندیشه‌ای موجب شده است تا تحفة‌العالم نیز، مانند گزارش‌های دیگر سفرنامه نویسان ایرانی به صورت جُنگی از داستان‌های عجیب تبدیل شود؛ زیرا شوشتری، اگر چه بر پایه دیده‌های خود از شیوه فرمان‌روایی انگلیسی‌ها در هند و شنیده‌هایش از سامان نو آیین انگلستان وصفی کمابیش سازگار با واقعیت به دست می‌دهد؛ اما از آن‌جا که نمی‌تواند شالوده نظری دگرگونی‌های غرب را توضیح دهد، ناچار نوشته او از محدوده یک گزارش فراتر نرفته است و در تحلیل چرایی آنها چندان موفق به نظر نمی‌رسد.

نگاه شوشتری به غرب، در صنعت و تکنولوژی خلاصه می‌شود؛ در حالی که صنعت و تکنولوژی ظواهر تمدن غرب بوده و هستند. آنچه فرهنگ غرب را از دیگر فرهنگ‌ها به ویژه فرهنگ ایران

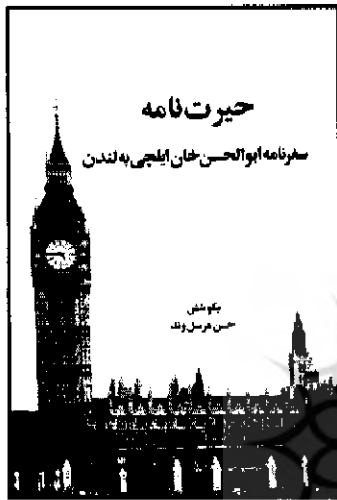
نداشت؛ بلکه در چالشی جدی قرار داشت.

- مستندهای ضعیف

روایت‌های او از مغرب زمین یا تنها به شنیده‌ها مستند می‌باشد یا در بعضی موارد، خود از نحوه سلوک انگلیسیان مقیم در هند این مطالب را برداشت کرده است. به هر صورت، در مقابل دیگر سفرنامه‌ها، که نویسندگان آن از نزدیک شاهد اعمال و رفتار غریبان بوده و طبق مشاهده‌های خود گزارش کرده‌اند، ارزش کمتری دارد؛ البته بدان معنا نیست که ارزش تاریخی کتاب را زیر سؤال برده باشیم.

۲. حیرت‌نامه ابوالحسن خان ایلچی
۲-۱. نگاهی اجمالی به زندگانی ایلچی
«میرزا ابوالحسن خان شیرازی»، معروف

سال ۱۲۲۹ قمری، برای تغییراتی در عهدنامه گلستان و تجدید نظر در مواد آن و



سپس به امضا رسانیدن معاهده مزبور با هدایای بسیار به عنوان مأمور فوق العاده سفارت به دربار روسیه رفت. گزارش آن سفر از سوی مردی به نام «محمد هادی علوی شیرازی» نوشته شده است که

۱. میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ص ۱۵.
۲. میرزا ابوالحسن خان ایلجی، حیرت نامه، سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلجی به لندن، به کوشش حسن مرسلوند، ص ۳۵-۳۶.
۳. عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۲۸۰.
۴. میرزا ابوالحسن خان ایلجی، همان، ص ۳۷.

به «ایلجی» پسر میرزا محمدعلی از اهالی توابع اصفهان و خواهرزاده «حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی»، صدر اعظم آغامحمدخان و فتحعلی شاه و پدرش در عهد کریم خان زند به سر رشته داری سپاه مأمور بود.

میرزا ابوالحسن خان، این فرزند متلون ایران^۱ به واسطه وابستگی به اعتمادالدوله در زمان صدارت او، مدتی حاکم شوستر بود و بعد از گرفتاری و کشته شدن صدراعظم و بستگانش به هندوستان رفت و در حیدرآباد توقف کرد و سپس به ایران بازگشت و در شیراز به منصب یساولی حسین علی میرزا فرمان فرما تعیین شد؛ ولی به علت آبرومند نبودن آن شغل از آن کناره گیری و به وسیله امین الدوله ترقی کرد و ثروتی جمع نمود.^۲

نام برده در سال ۱۲۲۴ قمری برای مأموریت به لندن رفت و نزدیک به یک سال و نیم در آن خطه زیست و سپس به ایران بازگشت و دیده ها و آموزه های خویش را که سراسر با حیرت همراه بود در سفرنامه اش به نام «حیرت نامه» به نگارش در آورد.^۳ وی در ۲۵ جمادای الثانی

آن کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.^۴ یتیم‌خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و دیگر ابنیه‌ها از نکته‌هایی می‌باشد که این ایرانی شیفته ظواهر را به خود جلب کرده است. سراسر حیرت‌نامه پر از شرح مهمانی‌ها، گشت و گذار، تفریح، دیدار از مزارع، باغ‌ها و منازل می‌باشد. داستان‌ها، زیورگرایی‌ها، شب‌نشینی‌ها، خوشگذرانی‌ها، زنبارگی‌ها و عشق بازی‌های وی صفحه‌های زیادی را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که گویی این فرد، فقط برای وصف زنان و دختران و کیفیت رقص و دلبری آنان به این سفر مأمور بوده است.^۵ البته ناگفته نماند که این مسافرِ فرنگ، نسبت به بعضی از مفاسد اخلاقی آن‌جا اظهار نارضایتی می‌کند:

رویدادهای گوناگون تاریخی در چارچوب پیوند ایران با روس و انگلیس را در بر دارد.^۱ وی در سال ۱۲۳۳ قمری، دوباره به سمت سفارت، مأمور لندن شد و در این منصب تا آخر وفادار بود و به گفته یکی از دیپلمات‌های انگلیسی «تا آخرین روز زندگی خود، دوست خوبی برای دولت بیهیة انگلیس» باقی ماند.^۲ نام‌برده ضمن عهده‌دار بودن سفارت انگلیس؛ سفارت عثمانی، اتریش و فرانسه را نیز برعهده داشت و پس از سه سال اقامت در ممالک اروپا در سال ۱۲۳۶ قمری به ایران بازگشت. در سال ۱۲۴۰ قمری در جایگاه نخستین وزیر دروزات امور خارجه تعیین شد.^۳

۲-۲. ویژگی‌های برجسته حیرت‌نامه

او دانش و کارشناسی نوین و نوگرایی را در حد خود به تصویر کشیده است به گونه‌ای که سخنان شایان توجهی را می‌توان در سفرنامه او یافت. به هنگام درنگ در لندن یا درگیرودار سفر از بنیادهای فراوان علمی، صنعتی، اجتماعی، فنی، و سیاسی انگلیس دیدن کرده و بسیاری از شیوه‌های مرسوم در

۱. عبدالهادی حائری، همان.

۲. دنس رایت، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، صحنه‌هایی از مناسبات ایران و بریتانیا، ترجمه کریم امامی، ص ۱۴۰.

۳. میرزاابوالحسن خان ایلچی، همان، ص ۳۷.

۴. به عنوان مثال می‌توان به آموزش کودکان برای یادگیری صفت از دوران کودکی اشاره کرد. (همان، ص ۲۶۴)

۵. ری، ایلچی، حیرت‌نامه، ص ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۶، ۲۹۷، ۳۰۰ و ۳۱۱.

ارژنگ نژاد در دیوار آن را به ترکیبات خوب و تصویرات مرغوب به رنگ‌های الوان ترصیع نموده بودند، هوش از سرم پرواز نمود و در نزد رفعت آن عمارت، طاق کسری پستی نمود... اگر خواهیم شمه‌ای از اوصاف صنایع آن کلیسارا به قلم و زبان تحریر نمایم، هر آینه لب به عجز گشاید.^۲

- مهمانی‌ها و چگونگی برگزاری آن و آداب و رسوم حاکم بر فرهنگ عمومی از مواردی می‌باشد که وی را مجذوب کرده است. او در یکی از این مهمانی‌ها، صحنه‌هایی مشاهده می‌کند که به گفته خود بر حیرت‌های وی می‌افزاید.^۳

- عشق‌بازی میان افراد که او به «عشق حقیقی» تعبیر می‌کند از دیگر مقوله‌هایی است که او را حیرت‌زده می‌کند^۴ و...

«چون به گرمابه درآمدم پشیمان شدیم. نمود بالله، اهل آن‌جا که به صورت آدمی و از اشراف شهر مذکور محسوب می‌شدند، هم‌چو دَد و حیوان برملا با بچه‌گان آرامنه لواط می‌کردند. پس معلوم شد که خاص و عام این شهر به این کار شنیع مشغولند و به هیچ وجه پروایی ندارند؛ متحیر شده از حمام بیرون آمده، به تفرج شهر طوف نمودیم.»^۱

نوع نگاه ایلچی به مظاهر تمدن غرب، می‌تواند سرآغاز غرب‌گرایی روشنفکران دوره‌های بعدی باشد. فرهنگ برهنگی غرب را در اوج برهنگی فرهنگی به تصویر می‌کشد، هر چند که خود، چه بسا به آن توجه ندارد.

۲-۳. حیرت‌های حیرت‌نامه

همان‌گونه که از نام آن تداعی می‌شود، دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده سراسر عجیب و غریب بوده است؛ از این‌رو نام «حیرت‌نامه» بر آن می‌نهد و ما فقط به نمونه‌هایی از این حیرت‌ها اشاره می‌کنیم:

- دیدن تصاویر، مناظر، ابنیه‌ها و صنایع به گفته خود، هوش از سر او ربوده است:

«...از مشاهده آن عمارات بدیع که نقاشان

۱. همان، ص ۶۵ این عبارت می‌تواند گویای این باشد که «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» از زمان‌های قدیم نیز در اروپا رواج داشته است؛ از این رو جای تعجب نیست که عمل‌های منافی عفت به عنوان قانون در بعضی کشورها به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

۲. همان، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۳۱۱.

۴. همان، ص ۲۹۸.

۲-۴. حیرت‌نامه در نگاه تأمل

الف. غرب‌زدگی و فرنگی‌مآبی

ایلچی در ضمن گزارش دیده‌ها و آموزه‌های خود، خوانندگان را به پیروی راهی فرا می‌خواند که فرنگیان مبتکر و طلایه‌دار آن هستند. او در ضیافتی حضور می‌یابد که نزدیک به ۹۲۰ نفر از وزیران، امیران و شاهزادگان همراه با زنانشان گرد آمده بودند. در آن مجلس که صدای توشانوش اهل محفل بر افلاک می‌رسید و هر کس خود را به وضع خوشی پیرایه کرده بود، می‌گوید:

«طرفه شهری است که شاهزادگان عظیم‌الشأن و وزرا و امرا و بزرگان به این مهربانی، نسبت به هم با زنان آفتاب طلعتان ایشان به این کوچک‌دلی و بی‌ساختگی دست هم را گرفته در سماع رود و سرود کامرانی کنند و غم روزگار از دل بیدلان زدایند. کاش این شیوه اعیان و اشراف انگریز در مملکت ما نیز متداول می‌گشت.»^۱

در جای دیگر پا را فراتر گذاشته و عفت زنان انگلیسی را تا جایی می‌ستاید که آرزو می‌کند تا زنان ایرانی نیز از این ره‌توشه‌ها بهره می‌برند. ایلچی، هنگامی

که درباره خود و نحوه معاشرتش با زنان انگلیسی می‌شنود برآشفته شده و می‌گوید:

«حق تعالی شانه‌علیم و خیر است که مکرر من آرزو از خدا کرده‌ام که کاش نسوان ایران را به عفت و عصمت زنان انگریز بهره‌ور گرداند، چنان‌چه آزاد و مختارند و کسی را بر ایشان تسلطی نیست.»^۲ و «کاش زنان ایران از این زنان تعلیم می‌گرفتند و محبت شوهران را بر خود لازم می‌شمردند و قدر شوهران خود را به این مقدار می‌دانستند.»^۳ یا «آرزو کردم که کاش، اهل ایران نیز انصاف از مردم انگریز کسب می‌نمودند تا روزگار ایشان هم به خوشدلی و فراغت می‌گذرانیدند.»^۴

این موارد حاکی از عدم درک روح مکتب اسلام و خودباختگی فرهنگی به تمدن غرب می‌باشد.

ب. خودباختگی فرهنگی

ایلچی در وصف یکی از میهمانی‌ها که

۱. همان، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۱۹۴.

۳. همان، ص ۳۱۵.

۴. همان، ص ۲۳۲.

علت پیشرفت و تحول در کشورهای مسافرت کرده را بررسی نکرده و فقط جلوه‌های ظاهری ترقی، او را به حیرت در آورده است. درست است آگساهی‌های نرونی که ایلچی در اختیار مخاطبان خود می‌گذارد، برای آنها سودمند بودند؛ ولی در مجموع، آموزش‌های مورد نیاز آن روزگار را درست در اختیار ایرانیان نگذاشت و تمدن غرب را به شیوه‌های همه سویه شناساند. به عبارت دیگر، وی فقط حکایت‌گر ابنیه‌ها، اماکن و صنعت بود؛ اما چگونگی دست یافتن و متری شدن را ارائه نداد و در مواردی هم که به اخذ تمدن سفارش می‌کند، سراسر با غرب‌زدگی همراه بوده است. از همه مهم‌تر این‌که او با بدآموزی‌هایی که در نوشته خود به جای می‌گذارد به آسانی یکی از ریشه‌های غرب‌زدگی سده بیستم در ایران را به خود اختصاص می‌دهد.

ابوالحسن خان در مقابل تکنولوژی مغرب زمین، راهی جز «اقتباس از کار اهل انگلیس» نمی‌بیند:

زنان و مردان از اعیان و اشراف، بدون هیچ محدودیتی بر سر یک میز نشسته‌اند، تعجب می‌کنند به گونه‌ای که این وضعیت، حیرت او را بر می‌انگیزد و در سؤال «میس پرسول» که می‌پرسد:

«چنان می‌فهمم که از اکل نمودن مرد و زن به جمعیت، تو را حیرت دست داده؛ خود انصاف ده که شیوه ما بهتر است یا شیوه شما که زنان را مستور دارید؟ در جواب می‌گوید: طریقه شما بهتر است، از رهگذر این‌که زن مستوره، چشم‌پسته و هم‌چو مرغی که در قفس حبس شود و چون رهایی یابد، قوت پرواز به طرف گلشن ندارد،^۱

همان‌گونه که ذکر شد، اعتراف ایلچی به برتری فرهنگ معاشرت فرنگیان از «خودباختگی» به «فرهنگ بیگانه» و «بی‌اعتمادی» به فرهنگ اسلامی - سنتی ایران حکایت می‌کند.

ج. سطحی‌انگاری و تقلید کورکورانه

هرچند حیرت‌نامه ایلچی بعضی از روش‌های دانش و کارشناسی را به تصویر می‌کشد؛ ولی با نگاه سطحی و خام، تقلید کورکورانه از غرب را سفارش می‌کند. او

«عقل معاش اهل آن سرزمین به سرحد کمال است و ناتمامی ندارند. به اعتقاد خاطر و محرز این دفتر آن‌که اگر اهل ایران را فراغت حاصل شود، اقتباس از کار اهل انگلیس نمایند، جمیع امور روزگار ایشان بر وفق صواب گردد.»^۱

این سفارش در آینده‌ای بسیار نزدیک به وسیله «میرزا ملکم‌خان» و بعد از او به وسیله «سید حسن تقی‌زاده» به صورت خیلی جدی در ایران پی‌گیری شد. تقی‌زاده در یکی از نوشته‌هایش، نسخه فرنگی برای ایران می‌پیچد و نجات ایران و ایرانیان را در «قبول و ترویج تمدن اروپا بلا شرط و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و ترتیب و علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا (جز زبان) و کنار گذاشتن هر نوع خودپسندی و ابرادات بی‌معنی که از معنی غلط وطن پرستی ناشی می‌شود و آن را وطن پرستی کاذب توان خواند» دانسته و معتقد است که «ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس.»^۲

با این نگاه، حیرت‌نامه را می‌توان جزء نخستین منشور غرب‌زدگی در دوره اقتباس^۳ محسوب کرد.

د. تحلیلی سطحی از ساختار سیاسی و فعالیت سیاستمداران در انگلیس

ایلچی در مواردی که به بنیادهای حکومت و ساختار آن در غرب اشاره می‌کند، بسیار سطحی و با نگاهی خوش‌بینانه تحولات پیرامونی خود را تحلیل می‌نماید. برای نمونه، بحثی را درباره وکلای مجلس و چگونگی قانون‌گذاری در غرب ارائه می‌دهد که این تحلیل را در هیچ منبعی نمی‌توان یافت. وی معتقد است پارلمان در آن‌جا دستگاهی است که حق فقرا و رعیت پایمال نمی‌شود و آنان به رعایت رعیت موظف می‌باشند و در وضع قوانین، همواره باید طرف رعیت در نظر گرفته شود.

در این روند، نایب شاه باید «ملاحظه کثرت کند؛ چنانچه هر طرف جمعیت ایشان به شماره بیشتر است قولشان اقوی و رجحان دارند

۱. ایلچی، حیرت‌نامه، ص ۲۲۱.

۲. روزنامه کاوه، دوره جدید، سال اول، ش ۱، ۱۲۹۹ ش، ص ۲.

۳. بعضی بر این باورند که در روند آشنایی ایرانیان با تمدن جدید مغرب زمین، می‌توان به دوره‌های مشخصی اشاره کرد، دوره اقتباس و تقلید مدرنیته تک‌بعدی، دوره قبول مدرنیته ایدئولوژیک و در آخر دوره نقد مدرنیته که با انقلاب اسلامی سمت و سوی ویژه‌ای به خود گرفته است.

سرتاسر نوشته، وصف عیث و نورشها، رقصها و آوازه‌خوانی مه‌رویان فرنگ می‌باشد که هم‌چنان به حیرت ایلچی می‌افزاید. این ایرانی متلون، شب‌های بسیاری را در سرگرمی‌ها می‌گذراند و کسی نبود به او بگوید که آیا او به جز شرکت در مهمانی‌ها و تماشای صحنه‌های مهیجانه، وظیفه دیگری نداشته است؟ چقدر تأسفانگیز است که رجال سیاسی ایران در هنگام کار و انجام وظیفه با تمام هزینه‌هایش، خود را به چه کارهایی مشغول می‌کردند.

۳. گزارش سفیر میرزا صالح شیرازی

میرزا صالح شیرازی، فرزند حاجی باقرخان کازرونی است؛ از تاریخ تولد و مرگ او اطلاع چندانی در دست نیست؛ ولی می‌دانیم که وی پیش از آنکه در سال ۱۸۱۵ م برای تحصیل به انگلیس رود، در دستگاه عباس‌میرزا در تبریز به کار دست‌نگاری مشغول بوده است.^۲

و در خصوص داد و ستد ایام گذشته در هر امری دقت کنند و ملاحظه جمع و خرج ممکت نمایند که مبادا دیناری بر رعیت نقصان رسد و تا همگی وزرای متفق نگردند، دیناری از رعیت نگیرند و نه بر رعیت رسانند و خاصیت و کلا این است که همواره جانب رعیت را از دست ندهند و از راه صداقت و خیرخواهی شاه و رعیت سخن گویند و شاه تواند که هر وقت خواهد پارلمان را موقوف دارد.»^۱

وی از پیشگامانی می‌باشد که مباحثی مانند اعتبار رأی اکثریت را مورد بحث قرار داده است. او گوید در هنگامی که موضوع رأی مردم مطرح می‌گردد، جانب اکثر اقوی و رجحان دارد.

ه. حیرت‌نامه، مظهر شخصیت خوش‌گذران

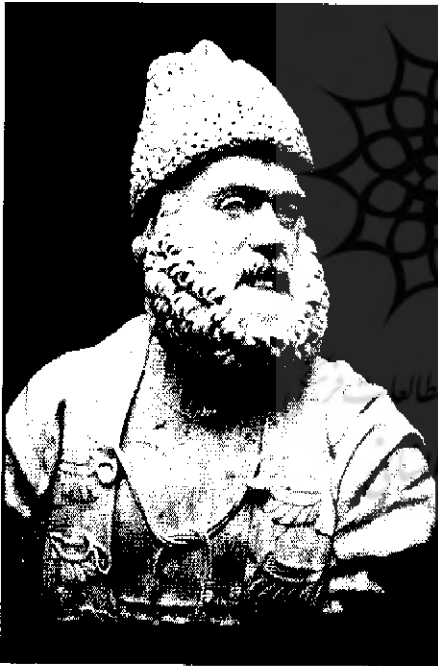
و شهوت‌پرست ایلچی

آنچه در این نوشته آمده است، نشان‌گر حاکمیتِ روحیاتِ ایلچی می‌باشد. هرچند وی می‌خواهد به گونه‌ای خود را صادق و به دور از بسیاری انحراف‌های اجتماعی نمایان سازد؛ ولی روح حاکم بر این نوشته، عبارت از خوش‌گذرانی و شهوت‌پرستی حیرت‌انگیز این مسافر فرنگ می‌باشد.

۱. ایلچی، ص ۱۶۸.

۲. عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دور رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۳۱۲.

حکومت قانون، لزوم آزادی برای مردم، شرکت مردم در حکومت از طریق انتخابات عمومی، اخذ آرا و محدود بودن قدرت و اختیارهای شاه از مسائلی است که میرزا صالح در زمینه نوگرایی مورد بحث قرار داده و به شیوه‌ای آگاهانه به هم میهنان خویش شناسانده است.



میرزا صالح نه تنها از پیشروان اندیشه نوآوری در ایران به شمار می‌رود؛ بلکه در زمینه نوسازی ایران به طور مستقیم نیز در تکاپو بوده است. او پس از آموزش زبان‌های انگلیسی و فرانسه و فراگرفتن برخی دیگر از دانش‌ها و هنرها از جمله فن چاپ در لندن، نخستین چاپ‌خانه دولتی ایران را در تبریز به کار انداخت و برای اولین بار روزنامه‌ای به نام «کاغذ اخبار» را در تهران منتشر کرد.^۱

میرزا صالح مردی پرکار، باهوش و کوشا بود و گرایش فراوانی به آموختن دانش‌ها و فنون نوین غرب داشت و تا آنجا که سفرنامه وی نشان می‌دهد، به آشنا ساختن ایران با آن دانش‌ها و فنون سخت دل بسته بود. وی از نوگرایی‌ها، نوآوری‌ها و نوسازی‌های جهان غرب به ویژه روسیه و انگلیس به طور گسترده سخن می‌گوید و درباره بسیاری از آنها گرایش‌هایی هواخواهانه از خود نشان می‌دهد. وی از پیشرفت‌های انگلیس در دانش، امور اداری، کشورداری و در زمینه‌های گوناگون یاد می‌کند. صنعت چاپ، علم شیمی، نظام پارلمانی، اهمیت

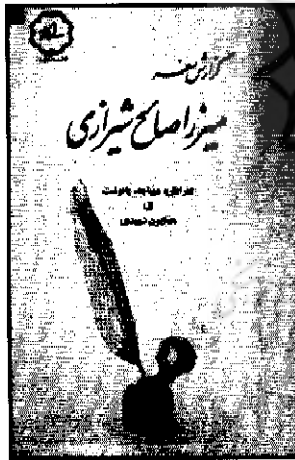
۱. «روزنامه طلیمه کاغذ اخبار» روز دوشنبه بیست و پنجم محرم الحرام سال ۱۲۵۳ ق انتشار یافت که هر ماه یکبار چاپ می‌شد. مجله یادگار؛ سال اول، شماره ۳، ص ۵۱.

۱-۳. جایگاه سفرنامه میرزا صالح در میان سفرنامه‌ها

گزارش سفر میرزا صالح شیرازی از دیگر سفرنامه‌های که قابل توجه می‌باشد. «او که در زمره نخستین منور الفکران ایرانی است»، «جزء دومین دسته از محصلان ایرانی بود که به دستور عباس میرزا ولیعهد، برای تحصیل علوم جدید به انگلیس اعزام شد»^۱. همین امتیاز، سفرنامه‌ی او را از دیگر سفرنامه‌ها متمایز کرده است. او در سفرنامه خود به طور جدی برای درک غرب جدید می‌کوشد. به نظر می‌رسد او نخستین ایرانی می‌باشد که با پشتوانه نوعی خردورزی به سفر غرب رفته است و از این حیث، سفرنامه او دارای جایگاه ویژه‌ای در میان متونی می‌باشد که برای شناخت مغرب زمین در اختیار داریم. ویژگی دیگر این است که آن را می‌توان در شمار اولین تاریخ انگلیس به زبان فارسی دانست. گزارش سفر میرزا صالح، صرف دیده‌ها و شنیده‌ها نیست؛ بلکه او با تکیه بر مطالعه کتاب‌های متعدد به دانش خود می‌افزاید. و در این گزارش شمه‌ای از تحولات مغرب‌زمین را می‌نویسد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۳. تحولات سیاسی، نقطه اوج سفرنامه

چنین می‌نماید که آنچه در میان دگرگونی‌ها و نوآوری‌های تاریخ انگلستان بیشتر از همه، نظر میرزا را به خود جلب می‌کرد، تحولات سیاسی این کشور بود که سبب می‌شد انگلستان «از حالت جهالت»، چنان‌که «ولایت عربستان و غیره» گرفتار آن بوده‌اند، به «ولایت آزادی» تبدیل و به مرتبه کمال برسد.



۱. در سال ۱۲۳۰ قمری، عباس میرزا دومین دسته از محصلان ایرانی را روانه انگلیس کرد که اسامی آنان به قرار زیر است: میرزا رضا صوبه‌دار، برای تحصیل توپخانه؛ میرزا جعفر، برای مهندسی؛ میرزا صالح، برای تحصیل زبان انگلیسی و محمدعلی بختماق‌ساز، برای یاد گرفتن قفل و کلید سازی. (میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ص ۲۳)

«و چون تاریخ انگلند را مفضلاً خوانده و طریقه شرع و آیین ولایت داری این ولایت را خواندم و آن چه استنباط نمودم، این ولایت هم مثل سایر ولایات، عربستان و غیره، مردم شریر و ففسد و خون‌ریز بوده، از چهارصد قبل الی حال، مردم روی به طریقی نموده‌اند. بالفعل این را بهتر از همه ممالک ساخته‌اند و هر یک از پادشاهان به وسیله از وسایل، در صدد تربیت و ترقی مردم برآمده‌اند و دیگری بعد از آن در انجام و اتمام بنیادی که پادشاه سابق گذرانده بود،^۱ اهالی انگلند در صدد تحصیل علوم و کسب هنر و ترقی خود بوده، چنان‌که به اندک وقتی از حالت جهالت به مرتبه کمال آمده،^۲

۳-۳. نهادهای دموکراتیک و میرزا صالح شیرازی

وی بعد از آن‌که تاریخ نسبتاً مفصلی درباره تحولات مغرب زمین به دست می‌دهد، نکته‌هایی نیز پیرامون نهادهای دموکراتیک جدید آن سامان یادآور می‌شود. در میان مباحث او از نهادهای مدرن، نهاد قانون‌گذاری و عملکرد آن، به صورت مهم‌ترین نهاد سلطنت مشروطه و حکومت قانون خودنمایی می‌کند.

«او با تأکید بر قدرت مجلس عوام و

جایگاه ویژه آن در نهادهای سیاسی نظام مشروطه بر آن است که هماهنگی میان سه نهاد سلطنت، مجلس عوام و مجلس اعیان را به تصویر کشیده است. وی معتقد است که این سه نهاد سبب شده است تا انگلستان به «ولایت آزادی» تبدیل شود.»^۳
 «... و هیچ حکمی جاری نمی‌شود اعم از کلی و جزئی، مگر به رضای هر سه فرقه. فرضاً اگر پادشاه حکمی کند که موافق مصلحت ولایتی نباشد، وکیل رعایا مقاومت و ممانعت در جریان حکم مزبور نموده، مطلقاً تأثیری نمی‌بخشد و جاری نخواهد شد. و هم‌چنین اگر خوانین و پادشاه متفق شوند و وکیل رعایا راضی نبوده، ایضاً حکم آنها، اگر چه مقرون به مصلحت بوده، جاری نخواهد شد. و اگر پادشاه و وکیل رعایا اراده در انتظام منهی نمایند خوانین قبول نکنند، مهم مزبور بدون تأثیر می‌ماند. بالجمله، دولت انگریز را مثل دستگاهی قیاس کرده‌اند، سه گوشه...»^۴

۱. همان، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۲۲۹.

۳. سیدجواد طباطبایی، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، ص ۲۷۲.

۴. میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۲۹۸.

از این رو تصمیم می‌گیرد تا درباره پاره‌ای از مطالب آن دین تحقیق کند و سؤال‌هایی از کشیشان آن‌جا داشته باشد. میرزا صالح در پایان این سؤال و جواب به این نتیجه می‌رسد:

«الحق این نحو عبادت با بت پرستی مطلقاً تفاوتی در نظر بنده ندارد. به علت این‌که در بت‌خانه‌ها بت پرستان سجده به بت کرده، صورت پرستند و در کلیسا سجده به اشکال متعدد کرده و حال این‌که هیچ‌کدام موافق متن واقع درست نیست.»^۱ بنابراین انعکاس به واقعیت به دور از تعصب، از روشن‌بینی این ایرانی روشنفکر حکایت دارد و از نقاط قوت گزارش سفر وی می‌تواند باشد.

۳-۵. صورت پرستی، نمادی از بت پرستی

میرزا صالح، هنگامی که آیین کلیسا و آداب و رسوم آنان را می‌بیند، در ذهن او این سؤال نقش می‌بندد که تفاوت بت پرستی و آداب و رسوم کلیسایان که نمادی از بت پرستی می‌باشد در چیست؟ چون

۳-۴. تناقض در رفتار و آیین اربابان کلیسا

دیدگاه انتقادی وی به آیین کلیسا از نکته‌هایی است که میرزا صالح به آن توجه داشته و در مسواری چند به آن اشاره می‌کند. برای نمونه، وی هنگامی که می‌خواهد درباره دین مسیح و چگونگی برخورد حاکمان کلیسا با مردم تحقیق کند به نکته‌های جالب و قابل توجه دست می‌یابد. میرزا صالح اظهار می‌دارد که کلیسایان، افساری برگردن مردم نهاده‌اند و آنان را به هر طرف که خود می‌خواهند می‌کشند. وی اساس دین و دینداری را کالایی می‌داند که در میان اربابان کلیسا یافت نمی‌شود.

«... اعتقاد ایشان را گرچه قابل نوشتن نیست و بالجمله، اساسی که ایشان در بنای کار آورده‌اند مختصراً افساری به گردن جهان ارامنه بستن و در این بین اساس بزرگی به جهت خود چیدن و عوام را به قصه و داستان فریب دادن بوده است و ذره در دین‌داری و رویه عبادت از اشخاصی که در این کلیسای معبد عام به عبادت مشغولند مشاهده نکردم. بلی، اساسی است که عوام‌الناس، این طایفه صورت صلیب دیده جبهه‌ها شوند و کشیشان آنها را فریب دهند.»^۱

۱. همان، ص ۶۶.

۲. همان، ص ۶۷.

«صورت بعضی از علمای ادیان آنها و حوریان حضرت عیسی را کشیده‌اند و به آنها نیز احترام می‌نمایند و به تدریج صورت پرست هستند. در اصل علاوه بر صورت مریم و حضرت عیسی که در هر طرف به صورت و هیأت علیحده کشیده‌اند با صلیب و غیره که همیشه عیسویان سجده به صورت‌ها می‌نمایند. در بالای هر کلیسایی که صورتی از سنگ و یا صورت‌های متعدد از سنگ است از علمای دین و حواریان و غیره می‌باشد.»^۱

بعد از این تحلیل، رفتار و منش عامه مردم را نیز نقد می‌کند و معتقد است منش و رفتار آنان گونه‌ای از بت پرستی است؛ چرا که «عامه مردم هنگام عبور به محض رویت به آنها ایستاده احترام و تعظیم به آنها نموده، بعد از آن می‌گذرد. اگر این طریق عبادت را شرک ندانم پس کدام یک شرک خواهد بود»^۲!

۳-۶. ناقوس کلیسا نماد دین‌داری

میرزا صالح در این سفر از اماکن قدیم به ویژه از کلیساها نیز دیدن می‌کند. وی در یکی از این دیدارها به نکته جالبی اشاره می‌کند که عقل وی نمی‌تواند آن را بپذیرد. «از جمله چیزهایی که به نظر بنده عجایب

آمد، ناقوس این کلیساها است. در ولایت روس، هر یک از بزرگان که اظهار دینداری می‌کند ناقوسی به جهت کلیسا می‌سازد و هر که را ارادت و اخلاص به دین عیسوی زیاده است، ناقوس آن بزرگ‌تر است. او را اعتقاد زیاده و شهرت آن در میانه مردم، بیشتر و عامه مردمان او را بیشتر احترام می‌کنند.»^۳

۳-۷. کاستی‌های گزارش سفر میرزا

صالح

باید اذعان کرد که وی، همانند بسیاری دیگر از پیشروان اندیشه نوگرایی در ایران از پیوند جدایی‌ناپذیر «دانش» و «کارشنای غرب» با روش «استعماری» آن و خطری که این دو عامل هم‌ساز، نیرومند و فراگیر، جهان واپس مانده از جمله ایران را سخت مورد تهدید قرار می‌داد، هرگز سخنی هشدار دهنده به میان نیاورده و برای رویارویی ایران با آن خطر، راه‌حلی سودمند و عملی پیشنهاد نکرده است؛

۱. همان، ص ۸۷.

۲. همان.

۳. میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح

شیرازی، ص ۸۶.

۴. نتیجه گیری

با این مختصر، بحث سفرنامه‌ها را به پایان می‌بریم و معتقدیم که واقعیت‌های غرب آن‌گونه که باید انعکاس می‌یافت، نه منعکس شد و نه اینها توانایی درک واقعیت‌ها و اصول تمدن غرب را داشتند تا در بازگویی آن بکوشند. اگر هم گاهی پرتوی بسیار ضعیف از آن را مشاهده می‌کردند، قدرت تحلیل و انطباق با فرهنگ ایرانی را نداشتند و در این میان، آنچه از آنها دلبری می‌کرد در حد صنعت و تکنولوژی بود که با تحقیر فرهنگ خودی به اخذ و اقتباس آن سفارش می‌نمودند.

نکته دیگری که باید یادآور شد این‌که ملاحظه‌های اکثر سیاحان اولیه ایرانی به جامعه اروپایی و فهم آن‌ها از ساختار و کارکرد آن جامعه، تنها از دید طبقه‌های بالای آن سرزمین مایه می‌گیرد؛ چرا که عموماً برخورد و گفت‌وگو آنان با این طبقه‌ها بوده، و کمتر در مجامع عمومی و سطوح پایین جامعه ظاهر می‌شدند.

چون وی در انگلیس، عضو «انجمن فراماسون‌گری» شد. آیا روی‌گردانی وی از سخن درباره استعمار بورژوازی غرب، زائیده سرسپردگی وی بدان سازمان نبوده است؟^۱ آیا عضویت وی همانند دیگر دوستانش در «انجمن فراماسونری» دلیلی بر این روی‌گردانی نمی‌تواند باشد.

بحث از دگرگونی‌های حکومتی مغرب زمین، همه جای این سفرنامه را پر کرده؛ ولی درباره مبانی آنها بحث نشده و تنها به روند تحولات بسنده شده است. میرزا صالح با تأکید بر این نکته که نظام حکومتی و نهادهای انگلستان «مخصوص است به خود انگلند»؛ از بحث در مبانی با این بیان که «سال‌ها جان‌هاکنده و خون‌ها ریخته‌اند» طفره می‌رود یا شاید بر این تصور بوده است که با جان‌فشانی و خون ریختن می‌توان «به آن پایه رسید»^۲. وی می‌نویسد: «قواعد دولت‌داری و قوانین مملکت انگلند مخصوص است به خود انگلند. به این معنی که هیچ‌کدام از ممالک دنیا نه به این نحو منتظم است و نه به این قسم مرتب. سال‌ها جان‌هاکنده و خون‌ها ریخته‌اند تا این‌که به این پایه رسیده است»^۳.

۱. عبدالهادی حائری، همان، ص ۳۱۳.

۲. سیدجواد طباطبایی، همان، ص ۲۷۴.

۳. میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۲۹۴.

نکته‌هایی مثل آزادی، مساوات، قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی زنان، نوجویی، تجملات ظاهری، این سیاحان را شیفته خود کرده است؛ چیزهایی که به ظاهر در جامعه سنتی ایران یافت نمی‌شد. هر آنچه که به نوعی در غرب وجود داشت و در جوامع سنتی یافت نمی‌شد از این سیاحان دلبری می‌کرد.

در پایان باید به این نکته توجه داشت که حساب این افراد با متفکرانی که در پی اعتلای ملی ایران بودند جدا است؛ چراکه افرادی مثل امیرکبیر، اگرچه کارهایشان خالی از اشتباه نبود، ولی در پی انحلال فرهنگ ملی و بومی ایران نبودند و در مقابل فرهنگ خودی سر تعظیم داشتند و این در حالی است که اکثر متجددان غرب‌گرا در اولین گام برخورد با تمدن بیگانه، فرهنگ خودی را زیر سؤال برده و آن را انحطاط آفرین قلمداد می‌کردند.

۱-۴. مجامع فرماسونری، حلقه اتصال

سفرنامه نویسان

در آغاز اوج استعمار بورژوازی غرب، نخستین سفیران ایران در اروپا؛ مانند

عسکرخان ارومی، میرزا ابوالحسن خان ایلچی و میرزا صالح شیرازی، یکی پس از دیگری و به آسانی در جرگه فرماسونی انگلیس در آمدند و انگلیس را «ولایت آزادی» نامیدند، بسی آن‌که با صداقت بگویند «آزادی» مورد درخواست آنها با آنچه ایرانیان آن روزگار در می‌یافتند و به آن نیاز داشتند چه تفاوتی وجود دارد.^۱ فراموسونری ویزگی عمده این سفرنامه نویسان بود، هرچند که عضویت تنها در این مجامع، دلیلی بر نفی آنان نمی‌شود، ولی به هر حال یک علامت سؤال جدی در مقابل این افراد قرار می‌گیرد.

میرزا ابوالحسن خان در لندن به وسیله «سرگور اوزلی»، به عضویت لژ فراموسونی در می‌آید و خیلی سریع مراحل آن را می‌گذراند و به «برادر بسیار ارجمند» ملقب می‌گردد. در ایسن باره نشریه‌های فراماسونری انگلستان در آن دوران چنین می‌نویسند: «بنا بر معتقدات و مراسم تاریخی فراماسونری، روز ۱۵ ژوئن ۱۸۱۰ عالی‌جناب "میرزا ابوالحسن خان" به عضویت لژ

۱. عبدالهادی حائری، همان، ص ۴۰۹.

و اقتصادی در اواخر دوره صفویه و اوایل دوره قاجاریه می‌توان دید؛ ولی به طور منظم با گسیل محصلان و افراد سیاسی به اروپا و استخدام مستشاران نظامی از کشورهای بیگانه برای بهبود بخشیدن به روند رو به انحطاط کشور، پس از شکست‌های پی‌درپی ایران از روسیه شروع شد و تا مشروطه ادامه یافت. این بدان معنا نیست که بعد از مشروطه، اقتباس از غرب وجود نداشت؛ بلکه فراتر از آن نیز مشاهده می‌شود که به طور طبیعی تکنولوژی هم جزء آن بود.

نخستین سفرنامه‌ها در این دوره به نگارش در آمده است. که از مهم‌ترین منابع آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های اقتباسی از غرب می‌تواند باشد؛ البته نباید انتظار داشت که در این دوره، اینان آشنا به مبانی و اصول حاکم بر تمدن غرب باشند؛

فراماسونری در آمد. روزی که او فراماسون شد، ۳۵ نفر از اعضای اصلی لژ و پنج مهمان عالی‌قدر از لژهای معروف انگلستان که «لرد مویرا» و «دوک سوسکس» نیز جزو آنها بودند با شکوه و جلال زیادی مراسم را انجام دادند.^۱ میرزا صالح نیز هنگامی که در لندن به سر می‌برد، همانند ایلچی به حلقه فراماسونری انگلیس می‌پیوندد^۲ و آن‌گونه که از عبارات‌های او برمی‌آید به درجاتی نیز می‌رسد. میرزا صالح شیرازی در این باره می‌گوید:

«در صحن کلیسا "مستر هریس" نامی را که بزرگ‌خانه فراموشان بود و بنده را به دو مرتبه از مراتب مزبور رسانیده، مرا دیده مذکور ساخته که یک هفته دیگر عازم ایران هستید و فردا "فراموشخانه" باز است؛ اگر فردا شب خود را به آنجا رساندی، مرتبه "استادی" را به تو می‌دهم و اگر نه، ناقص به ایران می‌روی.»^۳

۲-۴. سفرنامه‌ها بازتاب دوره اقتباس و تقلید

مدرنیته تک‌بعدی

اقتباس از غرب به طور پراکنده در ایران، سال‌ها پیش از مشروطه آغاز شده بود که نمونه کامل آن را در اخذ تکنولوژی نظامی

۱. نشریه‌های فراماسونری که در آنها جریان عضویت میرزا منعکس شده است عبارتند از: مجله فراماسونری، آینه ماسونیک، مجله اروپایی، تاریخ فراماسونری در جهان و دایرةالمعارف فراماسونری. (میرزا ابوالحسن خان ایلچی، حیرت‌نامه، پیشین، ص ۳۹)
 ۲. میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۱۷۹، ۳۷۲، ۳۷۴.
 ۳. همان، ص ۳۵۸.

چراکه آنها در بهترین نگاه و با حسن نیت شیفته ظواهر بودند و بس.

در بعضی از سفرنامه‌ها تحولات سیاسی - اجتماعی غرب، مورد کاوش و توجه جدی قرار گرفته است؛ ولی بدون درنگ در پیش‌فرض‌ها و تحلیل چگونگی و چرایی این تحولات، صرفاً به بیان تاریخ تحولات بسنده شده است و البته در مواردی، پشتوانه علمی قابل اعتمادی ندارند.

اقتباس و تقلید، تنها مشخصه اصلی این سفرنامه‌ها نیست؛ بلکه رگه‌های غرب‌زدگی را نیز در بعضی از آنها می‌توان دید و در واقع این سفرنامه‌ها در بعضی از موارد، الگوهای برای دوره بعدی که همان غرب‌زدگی است، می‌باشند.

دوره غرب‌زدگی از عصر مشروطه شروع شد و در دوره پهلوی به اوج خود رسید. این دوره از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد که هم‌زمان با تلاش برای یافتن راه‌حل‌های متناسب با اوضاع و احوال اجتماعی و نیز گسترش آگاهی جمعی در جهت لزوم انجام تغییرات در ساختارهای درونی

کشور می‌باشد. در این دوره، هرچند که سنت در رویارویی با تجدد خود را منفعل یافت؛ ولی سرآغاز نوینی در بازاندیشی آن شد و اگر بخواهیم با دید منطقی به قضایای مشروطه بنگریم، می‌بینیم که اگر در این دوره سنت در سازگاری با مقتضیات زمان و مکان محک نمی‌خورد، عالمان دینی در انقلاب ایران هم، شاید دچار تردیدها و توقف‌هایی در ارائه چارچوب‌های نظری و راهکارهای عملی در رویارویی با این اندیشه‌ها می‌شدند.

کتاب‌نامه

۱. ایلچی، میرزا ابوالحسن خان؛ حیرت‌نامه، سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به لندن؛ به کوشش حسن مرسل‌وند؛ تهران: رسا، ۱۳۶۴ ش.
۲. _____؛ تحفة العالم ذیل النحفة؛ به کوشش صمد موحد؛ تهران: اِی، نا، ۱۳۶۳ ش.
۳. حائری، عبدالهادی؛ نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب؛ چ ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۴. دنیس رایت؛ ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، صحنه‌هایی از مناسبات ایران و بریتانیا؛ ترجمه کریم امامی؛ تهران: نشر نو، ۱۳۶۸ ش.
۵. روزنامه کاوه، دوره جدید، سال اول، شماره یک، ۱۲۹۹ ش.
۶. زرشناس، شهریار؛ اشاراتی درباره لیبالیسم در ایران؛ تهران: کیهان، ۱۳۷۷ ش.
۷. شوشتری، عبداللطیف؛ تحفة العالم؛ هندوستان، حیدرآباد: بی نا، ۱۲۹۴ ق.
۸. شیرازی، میرزا صالح؛ سفرنامه میرزا صالح شیرازی؛ به کوشش غلامحسین میرزا صالح؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴ ش.
۹. شیرازی، میرزا صالح؛ گزارش سفر میرزا صالح شیرازی؛ ویرایش دیباچه و پانویست از همایون شهیدی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشاراتی راه نو، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. طباطبایی، جواد؛ دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران؛ تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. کرمانشاهی، آقااحمد؛ مرآت الاحوال جهان‌نما: سفرنامه و تراجم احوال معاصران؛ مقدمه و تصحیح حواشی از علی دواتی؛ چ ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. مجله یادگار؛ سال اول، شماره ۳.
۱۳. میرزا ابوطالب خان؛ مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان؛ به کوشش حسین خدیو جم؛ چ ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.